((مبارزه بین جهل و آگاهی))



بعضی وقت ها آگاهی داشتن، یک جرم است یک نفرین است. زمانه ما تحمل دانستن را ندارد. شاید هم همیشه همین بوده است. زمان با دروغ و کینه و نفرت و خشونت پیش میرود و با ناآگاهی و جهل تقدیس و توجیه میگردد. در واقع کل تاریخ بشریت همین بوده و این مبارزه تاریخی بین جهل و آگاهی همیشه بوده و هست و چون پرچمی برای آن (مبارزه) برافراشته نشده لذا

حساسیتی هم برنیانگیخته است. بنابراین با اینکه در طول تاریخ مبارزه بین جهل و آگاهی جریان داشته ولی انقلابی برای تغییر آن اتفاق نیفتاده است. انقلاب در مفاهیم و ارزشها...
پس همیشه تاریخ مبارزه بین جهل و آگاهی بوده و هست نه مبارزه بین طبقه کارگر و کارفرما (مبارزه طبقاتی) و نه تولید بیشتر و انباشت ثروت و نه تز و آنتی تز و حتی نه قانون طبیعت... لذا با این همه مجازات حتی قوانین طبیعت هم نتوانسته اند در مقابل قدرت جهل و سوءاستفاده از جهل کاری را از پیش ببرند و زندگی با تمامی تناقضاتی که در درون خود داشته با جنگ و خونریزی ادامه پیدا کرده است. یک عده حاکم بوده اند و یک عده محکوم یک عده ارباب بوده اند و یک عده برده و جالب اینکه هر دو گرو یک اندازه مقصر هستند چرا که نه بردگی یک سرنوشت است و نه اربابی یک سرشت بلکه هر دو یک انتخاب هستند و این خود فرد هست که انتخاب میکند برده بماند و یا با آن مبارزه کند... سوال این است که این پارادکس تا کی ادامه پیدا خواهد داشت؟ آیا ما یعنی کل بشریت نیاز به انقلابی عظیم و بنیادین در دانسته ها و تعریف ها و مفاهیم کلیشه ای و بخصوص در ارزشهای خود نداریم؟ بشریت تا کی میخواهد این دور تسلسل باطل و بیهوده را تکرار کند... درسته ما همه به یک انقلاب درونی نیاز داریم.
((دکتر عبداللهی))
https://telegram.me/joinchat/B0iypzwq4R93nCGZSHiawA
و یا
https://telegram.me/joinchat/B0iypzw3SnxMrem6tNIP9w